

معنی اولیه و معانی ثانویه

علی خزاعی فر

معانی مختلف قاموسی کلمه را می‌توان به دو دسته «معنی اولیه» و «معانی ثانویه» تقسیم کرد. آگاه بودن مترجم از وجود این دو دسته معانی و در یافتن رابطه میان آنها باعث بروز اختلالات معنایی و منطقی بسیاری در درک متن و در ترجمه می‌شود.

برای ورود به بحث، لازم است ابتدا تفاوت میان دو نوع رابطه «هماندی»^۱ (homonymy) و «چند معنایی» (polysemy) در کلمات روشن شود. گاه کلمه‌ای چند معنی متفاوت دارد به نحوی که میان معانی هیچ رابطه‌ای، به تعبیر زبانشناسان، هیچ مشخصه معنایی (semantic feature) مشترکی وجود ندارد. به عبارت دیگر، معانی مختلف را می‌توان کلماتی متفاوت تصور کرد که تنها در ظاهر شبیه به یکدیگرند. این کلمات که آنها را «همانند» می‌نامند مشکل چندانی برای مترجم پیش نمی‌آورند زیرا بین آنها ارتباط معنایی وجود ندارد و متن، معنای عبارت را آن گونه که مقصود نویسنده بوده روشن می‌کند. عدم توجه به مقصود گوینده یا ارتباط معنایی و منطقی اجزای درون متن موجب بروز اشکالاتی مضحک در ترجمه می‌شود.^۲

بحث ما در این مقاله دربارهٔ رابطه «چند معنایی» است، مواردی که کلمه‌ای واحد دارای معانی متعدد مرتبط با یکدیگر است. این معانی در فرهنگ‌های لغت مدخل‌های جداگانه‌ای ندارند، بلکه زیر مدخلی واحد می‌آیند و با شماره از یکدیگر تفکیک می‌شوند. در توضیح نحوهٔ پیدایش معانی مختلف ولی

۱ - همانندی لفظ عامی است که به رابطه میان دو واژه دارای صورت مشابه ولی معنی متفاوت اشاره دارد. برای مثال دو واژه bear (خرس) و bear (حمل کردن) را همانند می‌نامند. در اینجا این دو واژه هم از نظر تلفظ مشابه‌اند، و هم از نظر املا. اگر دو واژه از نظر معنایی متفاوت و از نظر صوری تنها از یک جهت (املا یا تلفظ) مشابه باشند، در این صورت این دو واژه را ناهمانند (heteronymous) می‌گویند. اگر دو واژه ناهمانند از نظر تلفظ یکسان و از نظر املا متفاوت باشند، آن دو را هم‌آوا (homophonic) می‌نامند، مثل دو واژه throw و through. اگر دو واژه ناهمانند از نظر املا یکسان و از نظر تلفظ متفاوت باشند، آن دو را هم‌نویسه (homographic) می‌گویند، مثل دو واژه wind (باد) و wind /wam/ (کوک کردن ساعت).

۲ - گاه ممکن است متنی با هر دو معنی متفاوت کلمه قابل تفسیر باشد، در این صورت متن دارای «ابهام» است. برای آشنایی با بحث «ابهام» رجوع کنید به فرهنگ اصطلاحات ترجمه، «ابهام»، مترجم، شماره ۲.

مرتبط کلمه، یکی از محققان می‌گوید:

«هر کلمه دارای معنایی اصلی است که از اطلاق آن کلمه به شخص، شیئی، کیفیت، فرآیند، فعالیت یا رابطه‌ای معین در موقعیتی کاملاً خاص به دست می‌آید. بعضی از کلمات این معنی اصلی را که معنایی محسوس (concrete) و خاص (specific) است حفظ می‌کنند بدون آنکه توسعه یا تعمیم یابند. اما غالب کلمات، هر چند ممکن است معنی اصلی خود را به عنوان معنی هسته‌ای همچنان حفظ کنند، در طول زمان به اشخاص، اشیا، کیفیات، فرآیندها، فعالیتها یا روابط متعدد دیگر تعمیم می‌یابند.»^۱

گسترش معنی کلمه از معنی محسوس اصلی (معنی اولیه) به معنایی بعدی (معنای ثانویه) به کمک دو اصل تعمیم و انتزاع صورت می‌گیرد و مبتنی بر نوعی مقایسه است. اهل زبان شباهتی میان یک مفهوم با مفهومی دیگر می‌یابند، (وجه شبه را می‌توان از طریق مشخصه‌های معنایی مشترک میان دو مفهوم نشان داد) آنگاه کلمه‌ای را که بیانگر مفهوم اول است از طریق تعمیم برای بیان مفهوم دوم نیز بکار می‌برند. پدیده تعمیم معنایی خصلت همه زبانهای طبیعی است. اهل زبان برای ادای مفاهیم جدید همیشه کلمات جدید نمی‌سازند و بدین ترتیب است که معنایی متعدد مرتبط بر کلمه بار می‌شود.

در مورد معنای ثانویه نکات زیر قابل توجه است:

- ۱ - اگر چه تعمیم معنایی بر اساس مشخصه‌های معنایی عینی صورت می‌گیرد، تعمیم اساساً بستگی به تجارب فرهنگی اهل زبان دارد. بنابراین، در غالب موارد، هر چند معنای اولیه دو کلمه در دو زبان یکی است، معنای ثانویه آنها تفاوت دارد.
- ۲ - قبل از هر چیز مترجم باید بداند که هر کلمه در متن ممکن است در معنی ثانویه بکار رفته باشد و نباید معنی اولیه کلمه را - فراگیرندگان زبان معمولاً ابتدا با معنای اصلی یا اولیه کلمات آشنا می‌شوند - بجای معنای ثانویه بگیرد. در این موارد مترجم باید به فرهنگ انگلیسی به انگلیسی رجوع کند.
- ۳ - از آنجا که بین معنی اولیه و معنای ثانویه کلمه یک یا دو یا چند مشخصه معنایی مشترک وجود دارد، اگر مترجم معنی اولیه را به جای معنی ثانویه بگیرد، عبارتی بدست می‌آید که اگر چه ممکن است تاحدی معنی را منتقل کند اما غیر طبیعی یا غیر منطقی به نظر خواهد رسید. این اشکال در ترجمه‌های غیر حرفه‌ای محسوس است. ویرایشگران با تجربه در مواردی که ترجمه غیر طبیعی یا غیر منطقی است می‌توانند از روی کلمه‌ای که مترجم انتخاب کرده اصل کلمه را حدس بزنند.
- ۴ - بنابر قاعده‌ای کلی، هر ترجمه غیر طبیعی یا غیر منطقی ناشی از خطای مترجم در درک معنی دقیق کلمه در متن است. خلط معنی اولیه و ثانویه از جمله مواردی است که به درک غلط معنی متن می‌انجامد.
- ۵ - گاه مترجم تشخیص می‌دهد که کلمه در معنی ثانویه بکار رفته است ولی بجای آن که به فرهنگ لغت مراجعه کند، معنی کلمه را از متن حدس می‌زند. بطور کلی مترجم دو حجت دارد: فرهنگ لغت و متن. در تشخیص معنی دقیق کلمه مترجم نباید تنها به یک حجت بسنده کند. باید کاهلی را کنار بگذارد و با

۱ - خلاصه نظریه پروزیگ (Prozig) در باب نحوه گسترش معنی کلمه به نقل از جان لاینز.

مراجعه به فرهنگ لغت مطمئن شود که حدس او درست بوده است. حدس احتمال درستی یا نادرستی دارد، اما مراجعه به فرهنگ لغت حدس را به یقین بدل می‌کند. در بسیاری از موارد وقتی مترجم برای حصول اطمینان از صحت حدس خود به فرهنگ لغت تک زبانه مراجعه می‌کند با تعجب می‌بیند معنی ثانویه کلمه آن گونه که در فرهنگ لغت تعریف شده بسیار دقیق‌تر و پیچیده‌تر از آن است که او حدس می‌زده است. برخی از معانی ثانویه کلمه که کمتر بکار می‌روند و عموماً از ابداعات فردی هستند در فرهنگ‌های معمولی ثبت نمی‌شوند. بدیهی است هر چه فرهنگ لغت کاملتر باشد، معانی تعمیم یافته بیشتری در ذیل کلمه ثبت می‌شود.

در توضیح نکات فوق، به مثالهای زیر توجه کنید:

معنی اصلی فعل *ride* سواری کردن (با اسب) است، اما این فعل امروزه برای اشاره به سواری کردن با دوچرخه نیز بکار می‌رود زیرا بین این دو معنی لاقبل سه مشخصه معنایی زیر قابل تصور است:

(۱) تسلط داشتن بر وسیله، (۲) جابجا شدن توسط وسیله، (۳) نسبت به وسیله در وضعیتی خاص قرار داشتن. تعمیم معنایی همیشه بر اساس قیاسی منطقی صورت نمی‌گیرد بلکه بستگی به این دارد که اهل زبان، کلمه را چگونه و به چه مواردی تعمیم می‌دهند. فعل *ride* در طول زمان معانی ثانوی متعددی پیدا کرده بطوری که نمی‌توان در همه موارد آن را به «سواری کردن» ترجمه کرد.

برای روشن شدن مطالب فوق، برخی از معانی ثانویه چهار کلمه دارای چهار نقش دستوری متفاوت (صفت، فعل، اسم، قید) را با معادل‌های آنها در زبان فارسی به صورتهای مختلف زیر مقایسه می‌کنیم.

الف: صفت. صفت *keen* از معنی اولیه تیز، در اشاره به چاقو و امثال آن، به معانی متعددی تعمیم یافته است. برخی از معانی تعمیم یافته این کلمه و معادل‌های فارسی آنها به قرار زیر است:

| | | | |
|------------------------------|--------------------|------------------------|-------------------------|
| <i>keen sarcasm</i> | طعنه تند (نیشدار) | <i>a keen wind</i> | باد سخت |
| <i>a keen sense of guilt</i> | حس آزار دهنده گناه | <i>a keen slap</i> | سیلی جانانه |
| <i>a high keen sound</i> | صدای بلند و تیز | <i>a keen scent</i> | بوی تند |
| <i>a keen swimmer</i> | شناگر مشتاق | <i>a keen desire</i> | میل شدید |
| <i>a keen delight</i> | لذت بسیار | <i>a keen dread</i> | ترس عمیق |
| <i>a keen price</i> | قیمت مناسب | <i>keen questions</i> | سوالاتی حاکی از هوشمندی |
| <i>a keen merchant</i> | بازرگان زیرک | <i>a keen eyesight</i> | دید قوی |

He has a keen sense of smell. خیلی به بو حساس است

ب: فعل. برخی از معانی ثانویه فعل *hold* و معادل‌های فارسی آنها به قرار زیر است. معمولاً صفات و افعال بیش از سایر کلمات تعمیم معنایی پیدا می‌کنند.

| | |
|---|--------------|
| He held property worth millions. | دارا بودن |
| They held the fort against all attacks. | حفظ کردن |
| This barrel holds 25 litres. | گنجایش داشتن |
| Hold the line. | نگاه داشتن |
| This nail won't hold the mirror. | تحمل کردن |
| He held the man to be fool. | پنداشتن |
| He doesn't hold himself responsible. | دانستن |
| A sudden fear held him. | مستولی شدن |
| He called the hotel and asked to hold a room for him. | رزرو کردن |
| A community that holds young people... | جلب کردن |
| They hold the theory that... | معتقد بودن |
| They held the games in the afternoon. | برگزار کردن |

ب: اسم. برخی از معانی مرتبط کلمه CROSS به عنوان اسم عبارت است از ۱ - صلیب، ۲ - (علامت) ضربدر، ۳ - رنج و عذاب، ۴ - دورگه. بعد از خواندن شعر زیر خواننده درمی یابد که منظور شاعر از CROSS «دورگه» بوده است.

| | |
|---|--|
| cross | دورگه |
| My old man's a white old man and my old mother's black. | بابام سفیده مادرم سیاه. |
| If ever I cursed my white old man I take my curses back. | اگر یکوقتی به بابای سفیدم لعنت فرستادم حرفمو پس می گیرم. |
| If ever I cursed my black old mother, And wished she were in hell, I'm sorry for that evil wish And now I wish her well. | اگر یکوقتی به مادر سیاهم بد و بیراه گفتم، فرستادمش به جهنم، از حرفهای رذیله‌انه خودم پشیمونم حالا براش دعای خیر می کنم. |
| My old man died in a fine big house My ma died in a shack. | بابام توی یک خانه بزرگ و قشنگ مرد، مادرم توی یک کلبه فکسنی. |
| I wonder where I'm gonna die, Being neither white nor black? | معلوم نیست من کجا بمیرم چون نه سفیدم نه سیاه. |

ج: قید. در اینجا جملاتی از فرهنگ لغت آکسفورد نقل می‌شود که در آنها down به عنوان قید بکار رفته است. (برای درک معنی دقیق این کلمات می‌توانید به این فرهنگ لغت مراجعه کنید) مقایسه موارد استفاده down در انگلیسی با معادل‌های آن در فارسی، علاوه بر نحوه گسترش معنی این کلمه در زبان انگلیسی، تفاوت‌های بیانی دو زبان را در استفاده از این کلمه نشان می‌دهد. این کلمه همچون بسیاری از کلمات دیگر علاوه بر کاربردهای مجازی، و غیر مجازی کاربردهای اصطلاحی متعددی نظیر be down on sb دارد که فعلاً از بحث ما خارج است.

- 1 - The sun went down. خورشید غروب کرد.
That story won't go down. (مجازی) هیچ کس آن داستان را باور نمی‌کند.
- 2 - He was knocked down by a bus. اتوبوسی او را زیر گرفت.
If you are tired, go and lie down. اگر خسته‌ای، برو دراز بکش.
- 3 - Mary isn't down yet. مری هنوز حاضر نیست. هنوز نیامده (طبقه) پائین.
He can't use the telephone; the lines are all down. نمی‌تواند از تلفن استفاده کند؛ سیم‌ها قطع شده.
- 5 - We went down to Brighton for the weekend. برای تعطیلات پایان هفته رفتیم برایتون.
When did he come down from Oxford? چه موقع از آکسفورد فارغ‌التحصیل شد؟
- 6 - The heels of my shoes have worn down. پاشنه‌های کفشم ساییده شده.
The wind died down. باد فروکش کرد.
The clock has run down. ساعت کوکش تمام شده.
- 7 - Write it down. بنویس.
- 8 - The history of Europe down to 1914 تاریخ اروپا تا سال ۱۹۱۴.
- 9 - everyone, from the queen down to the humblest of her subjects همه، از ملکه گرفته تا حقیرترین زیردستانش

لازم به توضیح است که در فرهنگ‌های مختلف تقسیم‌بندی معانی مرتبط کلمه و جدا کردن آنها از یکدیگر با شماره، به صورت‌های مختلف انجام می‌شود. در این مورد نیز، همچون مورد جدا کردن معانی مرتبط از معانی غیر مرتبط، همیشه وحدت نظر و وحدت زوش وجود ندارد. معانی تعمیم یافته و مرتبط down در فرهنگ لغت آکسفورد در ده گروه و در فرهنگ لغت و بستر در سیزده گروه جای داده شده‌اند.

چند مثال دیگر:

در ترجمه‌های زیر مترجم معانی اولیه را به جای معانی ثانویه گرفته است.

1 - The Brave New World ترجمه غلط: دنیای شجاع جدید

صفت brave معنایی مرتبط با معنی شجاع دارد (تشخیص اینکه کدام یک از دیگری تعمیم یافته یا بین این این دو معنی چه رابطه‌ای وجود دارد با لغت‌شناسان است) که در فرهنگ آکسفورد چنین تعریف می‌شود: (old use) fine and splendid

این عبارت عنوان کتابی است از آلدوس هاکسلی که می‌توان آن را به صورت «دنیای جدید شگفت‌انگیز» ترجمه کرد.

2 - The Easy Street ترجمه غلط: خیابان آسان

به نقل از فرهنگ و بستر، یکی از معانی ثانویه easy که بر مکان اطلاق می‌شود عبارت است از marked by ease, by peace, comfort and placid rest

این عبارت نام فیلمی است از چارلی چاپلین که مترجمی آن را به صورت «خیابان اوباش» ترجمه کرده است. این ترجمه به استاد موضوع فیلم صورت گرفته است. خیابانی که در فیلم نشان داده می‌شود صحنه درگیری چارلی با اوباش است. در اینجا بین لفظ و مقصود دوگانگی (irony - طنز) وجود دارد. عنوان فیلم را می‌توان «خیابان آرام» ترجمه کرد.

3 - He was walking down the street. ترجمه غلط: در پائین خیابان قدم می‌زد.

ترجمه درست: در (طول) خیابان قدم می‌زد.

4 - Sex appeal ترجمه غلط: متوسل شدن به سکس

ترجمه درست: جذب جنسی

ترجمه غلط: به دانشجویانش صدقه نمی‌داد.

5 - He was devoid of charity towards his students.

ترجمه درست: با دانشجویانش مهربان و با محبت نبود.

References:

- Crystal, David, (1985) A Dictionary of linguistics and Phonetics. Oxford, Basil Balckwell.
 Lyons, J. (1977) Semantics. Cambridge: Cambridge University Press
 Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, 1976. Oxford University Press
 Webster's Third New International Dictionary, Unabridged, 1986, Merriam-Webster, Inc.